



بررسی اثر درآمد نفتی بر درآمد مالیاتی کشورهای صادرکننده نفت

فاطمه نظری^۱

تاریخ دریافت: ۹۵/۱/۲۳ تاریخ پذیرش: ۹۵/۹/۱۶

چکیده

هدف اصلی این مقاله، بررسی اثر درآمد نفتی بر درآمد مالیاتی کشورهای صادرکننده نفت است. برای این منظور، کشورهای برحسب درجه باز بودن تجاری به دو گروه شامل سطح پایین و بالا تقسیم و مدل مدنظر با بکارگیری اطلاعات تابلویی کشورهای طی سال‌های ۲۰۱۴-۱۹۹۸ برآورد شده است. نتایج نشان می‌دهد که در هر دو گروه از کشورهای مذکور، درآمد نفتی تاثیر منفی و معناداری بر درآمدهای مالیاتی داشته است. به علاوه، سایر متغیرها تاثیر معنی داری بر درآمد مالیاتی کشورهای با درجه باز بودن تجاری پایین ندارند، این در حالی است که در کشورهای با درجه باز بودن تجاری بالا، تمامی سایر متغیرها (به جزء تولید ناخالص داخلی) تاثیر معنی دار و مثبت دارند.

طبقه بندی JEL: H2, C23, N7

واژگان کلیدی: درآمد مالیاتی، درآمد نفتی، داده‌های تابلویی، درجه باز بودن تجاری، کشورهای صادرکننده نفت

۱. مقدمه

سیاست گذاری‌های مالی محسوب می‌شود. علی‌رغم اهمیت درآمدهای مالیاتی به عنوان منابع بالقوه درآمدی دولت متأسفانه این نوع درآمدها جایگاه واقعی خود را در ساختار اقتصادی کشورها دارا نیستند و عمده‌ترین دلایل این امر، اتکای بیش از حد به درآمدهای نفتی و مشکلات موجود در ساختار نظام مالیاتی کشور می‌باشد (نجاززاده و زارع، ۱۳۸۵). درآمد حاصل از منابع طبیعی برای یک کشور ایجاد ثروت کرده و پیشرفت اقتصادی و کاهش فقر را به دنبال داشته باشد. وجود این دیدگاه در مورد منابع طبیعی می‌تواند بر اساس تئوری توسعه اقتصادی نیز باشد (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۸۷). یک سیستم مالیاتی کارا علاوه بر تامین مالی مورد نیاز دولت باعث کنترل نقدینگی و توزیع عادلانه درآمد و ثروت می‌شود و در کشورهای در حال توسعه مانند ایران درآمدهای مالیاتی پس از درآمدهای نفتی از اولویت خاصی برخوردارند. در ادامه به بیان مطالعات انجام شده درباره موضوع مورد مطالعه و بیان مبانی نظری تحقیق و نتایج حاصل از برآورد مدل پرداخته خواهد شد.

۲. مبانی نظری

شاید در ابتدا این تصور وجود داشته باشد که درآمدهای فراوان حاصل از منابع طبیعی یک کشور ایجاد ثروت کرده و پیشرفت اقتصادی و کاهش فقر را به دنبال داشته باشد. وجود این دیدگاه در مورد منابع طبیعی می‌تواند بر اساس تئوری توسعه اقتصادی نیز باشد. برای مثال در مباحث توسعه، عقب ماندگی اقتصادی به سطوح پایین سرمایه گذاری ربط داده شده است. بنابراین منابع طبیعی می‌تواند عاملی مهم در تسریع سرمایه گذاری و به دنبال آن رشد اقتصادی باشد. اما مشاهدات تجربی عکس این ادعا را نشان می‌دهند (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۸۷). اتکا و اعتماد به درآمدهای نفتی وقتی این درآمدها سهم عمده ای از درآمدهای کشور را تشکیل می‌دهند. مدیریت مالی کوتاه مدت، تنظیم برنامه میان مدت و کارآمدی و به کارگیری منابع عمومی را با مشکل روبرو می‌سازد. بیشتر چالش‌ها در این زمینه از بی ثباتی‌ها و قابل پیش بینی نبودن قیمت نفت ناشی می‌شود. تغییرات چشمگیر و غیرقابل پیش بینی در مخارج دولت‌های نفتی و کسری‌های غیر نفتی آن کشورها تقاضای کل در آنها را با بی ثباتی همراه می‌کند و جو نااطمینانی (عدم ثبات و نامعلومی) را در آنها تشدید کرده و اقتصاد کلان را متلاطم می‌سازد. بی ثباتی در مخارج دولت و الگوی کسری‌های غیرنفتی هزینه‌های سنگینی را بر اقتصاد ملی تحمیل می‌کند. تجدید منابع، جامعه را برای سازگاری با تغییرات تقاضا و قیمت‌های برای نمونه تخصیص

ساختار و ترکیب درآمدهای دولت از مباحث بسیار مهم ادبیات اقتصاد بخش عمومی است. درآمدهای مالیاتی و درآمد حاصل از منابع طبیعی دو نوع مهم این درآمدها محسوب می‌شوند. درآمدهای مالیاتی در مقایسه با سایر منابع درآمدی به میزان قابل توجهی از آثار نامطلوب اقتصادی می‌کاهد. این منبع درآمدی به دلایل بسیاری از جمله قابلیت کنترل بر سایر منابع درآمدی ناشی از اقتصاد داخلی برتری دارد. برخی کشورها مانند ایران مقادیر قابل توجهی منابع طبیعی داشته و درآمدهای ناشی از این منابع سهم نسبتاً بالایی از درآمدهای دولت را به خود اختصاص داده است. ایراد عمده درآمدهای ناشی از منابع طبیعی را می‌توان در سه مورد خلاصه کرد: ۱- بی ثباتی ذاتی قیمت این منابع و درآمدهای ناشی از آنها ۲- تجدیدنپذیری و تمام شدنی بودن این منابع ۳- تبعات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی ناشی از اتکای بیش از حد به این نوع درآمدها (زراء نژاد و همکاران، ۱۳۹۳). مالیات‌ها به عنوان معمول ترین و مهم ترین منبع مالی برای تأمین درآمدهای عمومی و یکی از مؤثرترین ابزارهای سیاست‌های مالی دولت به شمار می‌روند. دولت می‌تواند به واسطه آن بسیاری از خدمات اجتماعی و رفاهی را در خدمت مردم قرار دهد و به بسیاری از فعالیت‌ها و جریان‌های اقتصادی و اجتماعی سمت و سوی لازم را ببخشد. بالا بودن سهم منابع حاصل از فروش نفت و پایین بودن سهم وصولی‌های مالیاتی در ترکیب منابع بودجه عمومی دولت، علاوه بر آن که عوارض ناگواری را همچون وابستگی درآمد کشور به صدور یک کالا دربر دارد، اقتصاد کشور را از امکان استفاده مؤثرتر از مالیات‌ها برای اعمال سیاست مالی محروم ساخته است (گرایی نژاد و چپر دار، ۱۳۹۱). مالیات‌ها در نظام‌های اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته، نه تنها ابزار تأمین‌کننده مصارف بودجه دولت محسوب می‌شوند، بلکه در اجرای سیاست‌ها و راهبردهای اقتصادی تعیین شده نیز نقش بارزی ایفا می‌کنند (روسن، ۲۰۰۵). پرداخت مالیات از مهمترین عوامل رشد و توسعه جامعه محسوب می‌شود و موجب رونق اقتصادی، تحقق عدالت اجتماعی، افزایش خدمات و عمران و آبادانی کشور می‌شود. در حال حاضر بخش عمده ای از اعتبارات و درآمدهای مالیاتی، صرف عمران، آبادانی و اموزیربنایی کشور می‌شود. از این رو ارتقای روزافزون نظام مالیاتی و همگام ساختن آن با دانش روز، نقش انکارناپذیری در توسعه اقتصادی کشور دارد. درآمدهای مالیاتی در اقتصاد بسیاری از کشورهای جهان یکی از مهم ترین منابع تامین مالی دولت‌ها به شمار رفته و به عنوان یک ابزار مؤثر جهت

نسبی شده آماده می‌کند و موجب نوسانات نرخ ارز واقعی می‌شود و ریسک سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی، سرمایه‌گذاری در بلندمدت را با مشکل مواجه می‌سازد و لذا موجب کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و رشد بخش غیرنفتی کشور می‌شود و بار اشتغال زایی و تولید دولت را مضاعف می‌کند. با توجه به سهم بالای درآمد نفت از کل درآمد عمومی، نوسانات درآمدهای دولت عمدتاً متأثر از نوسانات درآمد حاصل از فروش نفت می‌باشد که به تبع آن درآمدهای مالیاتی نیز دستخوش نوسان گردیده است. بر اساس دیدگاه سنتی در زمینه منابع و درآمدهای ناشی از آن، وجود مقدار قابل توجهی از موجودی منابع طبیعی به کشورها برای رسیدن به رشد اقتصادی کمک میکند (لوییس^۲، ۱۹۹۵) (روستو^۳، ۱۹۶۰) (وینر^۴، ۱۹۵۲). در این دیدگاه، منابع طبیعی به عنوان بخشی از سرمایه یک کشور تلقی می‌شود و در تابع تولید کل وارد می‌شود. این دیدگاه به وسیله ادبیات گسترده‌ای با عنوان نفرین منابع نقد شده است. تا به حال دیدگاه نفرین منابع بیشتر بر تأثیرات قیمت منابع طبیعی و بیماری هلندی تمرکز داشته و نظریات جدیدتر مربوط به نفرین منابع بر آثار توسعه‌ای ناشی از رفتار تحصیل‌گرایی (رانت‌گرایی) دولت‌ها تأکید دارند. یکی از مباحث عمده فرضیه نفرین منابع طبیعی این است که درآمد حاصل از منابع، درآمدهای مالیاتی را به عنوان بنیاد مالی دولت تضعیف می‌کند. به عبارت دیگر، درآمد ناشی از منابع طبیعی بر انگیزه کشورها در تجهیز دیگر منابع داخلی درآمد تأثیر منفی دارد (مور^۵، ۲۰۰۷). به نظر میرسد درآمدهای ناشی از منابع طبیعی علاوه بر تأثیر بر ساختار نظام مالیاتی و ناکارآمد کردن آن، بر سطح تحقق یافته درآمدهای مالیاتی موثر است. ادبیات نفرین منابع به ناکارآمدی نظام مالیاتی و پایین بودن سطح واقعی درآمدهای مالیاتی دولت‌های تحصیل‌دار می‌پردازد اما این موضوع که همان سطح ناکارآمد درآمدهای مالیاتی نیز به وسیله رانت‌ها تغذیه می‌شود مورد غفلت واقع شده است. اتکای بیش از حد دولت به درآمدهای نفتی و سهم بالای درآمدهای نفتی در بودجه دولت باعث کم توجهی به مالیات و اخذ آن به صورت بهینه و کاهش بار مالیاتی می‌شود که این مساله از طرفی باعث فرار مالیاتی اقشار پردرآمد جامعه شده و بار دیگر باعث تغییر توزیع درآمد به ضرر دهک‌های پایین درآمدی می‌شود. و از طرفی دیگر پاسخگو بودن دولت و نظارت مهم بر دولت را کمرنگ می‌کند. بطور کلی درآمدهای بدست آمده از فروش نفت مستقیماً عاید دولت گردیده و انگیزه دولت برای ایجاد یک نظام مالیاتی را از بین می‌برد که این خود وضعیت را بدتر کرده و وابستگی دولت

به نفت را بیش از پیش می‌گرداند (صاحب‌هنر و ندری، ۱۳۹۲). توزیع درآمد و سیاست‌های اقتصادی به منظور تقسیم عادلانه امکانات بین اقشار مختلف جامعه از جمله مواردی است که همواره مورد تأکید قرار گرفته است. دستیابی به هدف فوق مستلزم استفاده صحیح از ابزارهای اقتصادی است. از جمله مهم‌ترین این ابزارها می‌توان از ابزارهای مالیاتی نام برد. یک سیستم مالیاتی کارا علاوه بر تأمین مالی مورد نیاز دولت باعث کنترل نقدینگی و توزیع عادلانه درآمد و ثروت می‌شود. در کشورهای در حال توسعه مثل ایران، درآمدهای مالیاتی پس از درآمدهای نفتی از اهمیت خاصی برخوردار است. در زمینه تأثیر درآمدهای مالیاتی بر متغیرهای کلان اقتصادی دو دیدگاه به شرح ذیل وجود دارد:

الف) دیدگاه طرف تقاضای اقتصاد: مالیات‌ها می‌توانند به عنوان عاملی برای ایجاد تعادل در اقتصاد کلان از طریق مدیریت تقاضا نقش قابل توجهی داشته باشند. مخارج مصرفی و سرمایه‌گذاری مصرفی در زمینه سیاست‌های مالیاتی درجه اهمیت بالایی دارند. مالیات از طریق میل نهایی به مصرف درآمد قابل تصرف را تحت تأثیر قرار داده و بر مصرف تأثیر می‌گذارد. کاهش میل نهایی به مصرف از طریق کاهش ضریب تکاثری، کاهش حجم تقاضا را در پی دارد. درآمدهای مالیاتی بدست آمده نیز متناسب با نوع تقاضا و ترتیب آن متأثر می‌کند. همچنین سرمایه‌گذاری در بلندمدت تولید را تحت تأثیر قرار داده ولی اثر آن به سرعت به افزایش تقاضای کل در اقتصاد منجر می‌شود (ابونوری و زیوری مسعود، ۱۳۹۳).

ب) دیدگاه طرف عرضه اقتصاد: اقتصاددانان طرف عرضه معتقدند افزایش تولید و کاهش مالیات‌ها راه حل صحیح برای مبارزه با تورم است. یکی از مهم‌ترین مکتب اقتصاد طرف عرضه این است که نرخ‌های مالیات بر انگیزه‌های پس‌انداز و کار تأثیر منفی دارد. البته تأثیر مالیات بر پس‌انداز به انگیزه‌های پس‌انداز بستگی دارد. بنابراین طرفداران این مکتب معتقدند در نتیجه کاهش نرخ‌های مالیات، افزایش در سطح اشتغال و تولید در اقتصاد بوجود آید. این مکتب با توجه به منحنی لافر معتقد است کاهش مالیات ممکن است به قدری موثر واقع شود که از طریق افزایش کار و تولید نه تنها مالیات‌ها را کاهش دهد بلکه با افزایش عرضه از میزان تورم بکاهد (ابونوری و زیوری مسعود، ۱۳۹۳). به طور کلی بهبود در پیش‌بینی درآمدهای مالیاتی به دولت‌ها کمک خواهد کرد تا برنامه ریزی بودجه‌ای بلندمدت و مطلوبی داشته باشند. این در حالی است که کارایی درآمدهای مالیاتی طی ادوار تجاری یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های

تحلیل شکاف دوگانه فائق آید. دولت‌ها برای ایفای نقش‌های متفاوت خود به منابع درآمدی نیاز دارد تا بتواند مخارج خود را تامین مالی کند. از آنجایی که کشورهای نفتی برخوردار از منابع نفتی هستند، درآمدهای حاصل از این منابع به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع درآمدی دولت است. نکات بسیار مهمی در رابطه با استفاده از درآمدهای نفتی وجود دارد. درآمدهای نفتی جزء سرمایه‌های کشور است. چنانچه این سرمایه صرف هزینه‌های زودگذر شود عملاً از بین خواهد رفت. اقتصاد متکی به نفت مشکلاتی از قبیل بیماری هلندی، کم‌توجهی به توانمندی‌ها و مزیت‌های کشور و... را در پی خواهد داشت. همچنین با توجه به پایان‌پذیری چنین منابعی، در صورتی که وابستگی به درآمدهای نفتی ادامه پیدا کند با تهی شدن این منابع، مشکلات عدیده‌ای در اقتصاد بروز خواهد کرد. یکی دیگر از آثار این وابستگی تشدید تاثیرپذیری اقتصاد داخل از سایر اقتصادها و بنابراین تاثیر آن بر ثبات اقتصادی است (عباسیان و خاتمی، ۱۳۹۱). در اقتصادهای وابسته به درآمدهای نفتی، به دلیل نوسانات درآمدهای نفتی، تعیین میزان کسری بودجه به سادگی امکان‌پذیر نیست. در واقع اگر نااطمینانی در درآمدهای نفتی وجود نداشته، دولت به راحتی می‌توانست کسری بودجه غیر نفتی را برآورد کند و بر مبنای آن برنامه ریزی کند (نیازی، ۱۳۷۷). با وجود چنین مشکلاتی، کاهش تدریجی وابستگی به نفت ضروری است. برای کاهش این وابستگی باید جایگزین مناسبی برای این منبع درآمدی یافت. در این رابطه درآمدهای مالیاتی به عنوان بهترین جایگزین معرفی می‌شوند.

۳. پیشینه تحقیق

اگبگب و همکاران^۶ (۲۰۰۶) رابطه بین تغییرات نرخ ارز، آزادسازی تجاری و درآمد مالیاتی را در ۲۲ کشور آفریقایی طی دوره ۱۹۸۰-۱۹۹۶ بررسی کرده‌اند. بر اساس نتایج این بررسی رابطه بین آزادسازی تجاری و درآمدهای مالیاتی دولت‌ها به نوع شاخص استفاده شده برای آزادسازی تجاری حساس بوده است. همچنین بین آزادسازی تجاری و درآمد مالیاتی کل و درآمد مالیات بر تجارت و درآمد مالیات بر مصرف رابطه‌ای قوی وجود نداشته است. هرچند که بین آزادسازی تجاری و درآمد مالیات بر درآمد، رابطه‌ای نسبتاً قوی وجود داشته باشد. رابطه بین نرخ ارز و تورم با انواع درآمدهای مالیاتی نیز منفی بوده است.

گوپتا^۷ (۲۰۰۷) در پژوهشی برای صندوق بین‌المللی پول به بررسی تعیین‌کننده‌های درآمدهای مالیاتی پرداخته است. نمونه مورد بررسی این پژوهش شامل ۱۰۵ کشور در

سیاستگذاران اقتصادی در دنیاست. در ادبیات اقتصادی، عملکرد درآمدهای مالیاتی دولت به توان اجرایی سازمان وصول‌کننده مالیات و نیز عوامل دیگری مانند تاثیر ادوار تجاری بر سطح اقتصادی مودیان، دیدگاه مودیان به مالیات ستانی دولت و امکان فرار مالیاتی از سوی آنان بستگی دارد. برآیند عوامل موثر بر عملکرد درآمد مالیاتی دولت را می‌توان در شاخص و مفهوم اقتصادی مانند کارایی درآمد مالیاتی جستجو کرد. کارایی درآمدهای مالیاتی که در حقیقت از تقسیم نسبت درآمد مالیاتی مورد نظر به تولید ناخالص داخلی بر نرخ استاندارد مالیاتی بدست می‌آید. به عنوان معیار عملکرد سیستم‌های مالیاتی در اکثر کشورها استفاده می‌شود. هرچه این نسبت پایین‌تر باشد، نشان‌دهنده کاهش درآمدهای مالیاتی به دلیل اعطای معافیت‌های گسترده مالیاتی، کاهش نرخ‌ها در قانون مالیاتی و یا به دلیل اجرای ناقص قوانین مالیاتی در عمل است. از این رو افزایش کارایی درآمدهای مالیاتی از طریق ارتقا نسبت کارایی مالیاتی پایه‌های موجود و همچنین معرفی پایه‌های با درجه کارایی بالا، همواره مدنظر سیاستگذاران مالیاتی بوده است (موسوی جهرمی و همکاران، ۱۳۹۲). کشف منابع نفتی در کشور در ابتدا به این کشورها نوید نجات از توسعه نیافتگی و پیشی گرفتن را میداد. بسیاری از اقتصاددانان معتقدند استفاده از درآمدهای نفتی می‌تواند به رشد سریع اقتصادی و توسعه نیافتگی بیانجامد ولی آنچه در عمل اتفاق افتاد دچار شدن کشورهای صاحب درآمد نفتی به بیماری هلندی، افزایش فساد مالی و اداری، شکل‌گیری گروه‌های رانت‌خوار و وابستگی بیشتر به کشورهای خارجی و در مجموع افت شاخص‌های توسعه یافتگی بوده است. از طرفی برخی از کشورها نه تنها دچار افت شاخص توسعه یافتگی نشده‌اند بلکه با مدیریت صحیح منابع و جریان ورودی درآمدهای منابع طبیعی یکی از راهکارهای موثر جهت دوری از آثار منفی ورود این درآمدها به اقتصاد بوده است. عموماً تصور می‌شود که کشورهای دارای منابع معدنی خوش بخت هستند. یک چنین ذخایر و دارایی بخشی از سرمایه طبیعی کشور به حساب می‌آید. این دیدگاه از اینجا ایجاد می‌شود که انتظار می‌رود درآمدهای کلان نفتی ناشی از منابع نفتی ثروت ایجاد می‌کند، رشد اقتصادی را بهبود می‌بخشد و فقر را کاهش می‌دهد. تئوری‌های استاندارد اقتصادی نیز می‌گویند که قیمت بالای نفت و سایر منابع نفتی باید کشورهای تولیدکننده را حداقل از دو جنبه منتفع سازد. اول جریان کلان درآمدی ناشی از صادرات، فرصت سرمایه‌گذاری در پروژه‌ها را فراهم می‌کند و دوم جریان ارز خارجی ناشی از صادرات منابع طبیعی می‌تواند بر مشکلات

کاربرد شیوه‌های تحلیلی-توصیفی و اقتصادسنجی با روش OLS نشان داد که گسترش درآمدهای نفتی و سهم بخش کشاورزی با میزان وصول مالیات‌ها به تولید ناخالص داخلی رابطه معکوس و عوامل انگیزشی سازمانی رابطه مستقیم دارند.

موسوی جهرمی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود ارتباط میان کارایی وصولی مالیات بر ارزش افزوده و شکاف تولید بررسی شده است. برای این منظور با استفاده از روش داده‌های پانل برای ۲۵ کشور عضو اتحادیه اروپا در دوره زمانی ۱۹۹۶-۲۰۱۱ ارتباط بین کارایی و درآمد مالیاتی مبتنی بر مصرف و شکاف تولید با استفاده از یک مدل اقتصادسنجی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاکی از آن است که رابطه مثبت و معناداری بین شکاف تولید و کارایی درآمد مالیات بر ارزش افزوده وجود دارد.

ابونوری و مسعود (۱۳۹۳) در پژوهش خود به تاثیر درآمدهای مالیاتی بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد در کشور ایران و کشورهای منتخب سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) طی دوره زمانی ۱۹۹۰-۲۰۱۱ با استفاده از داده‌های پانل مورد بررسی قرار گرفته است. بدین منظور از روش OLS برای تخمین مدل رشد اقتصادی کشورهای OECD، روش سری زمانی برای تخمین مدل رشد اقتصادی ایران و روش GMM برای تخمین مدل ضریب جینی کشور ایران و کشورهای OECD استفاده شده است. نتایج بیانگر این است که افزایش درآمدهای مالیاتی رابطه مثبت و مستقیم با رشد اقتصادی دارد و با افزایش درآمدهای مالیاتی ضریب جینی افزایش می‌یابد و در نتیجه نابرابری درآمد بیشتر می‌شود.

تاکنون در مطالعات داخلی و خارجی انجام شده از نسبت درآمد هیدروکربنی به تولید ناخالص داخلی هیدروکربنی که به عنوان درآمد نفتی است استفاده نشده است و در متغیرهای کنترلی هم قیمت نفت خام به عنوان متغیری جدید می‌باشد که حتی در مطالعه بورن هورست و همکاران هم نیست و از طرفی در این مطالعه، تخمین پانلی با توجه به تقسیم کشورها به دو سطح تجارت باز با سطح بالا و پایین در نظر گرفته شده که در مطالعه ای تاکنون به این شکل کار نشده است.

۴. تصریح مدل

برای انجام تحلیل تجربی و بررسی رابطه میان درآمد مالیاتی و درآمد حاصل از منابع طبیعی (درآمد نفتی) با استناد به مطالعات پیشین بویژه مطالعه بورن هورست و همکاران (۲۰۰۹) الگوی زیر تصریح می‌گردد:

یک بازه زمانی ۲۵ ساله است. نتایج تحقیق حاکی از تاثیر معنادار تولید ناخالص داخلی سرانه، سهم بخش کشاورزی، آزادی تجاری، کمک‌های خارجی و ثبات سیاسی و فساد بر درآمدهای مالیاتی است. بررسی عملکرد مالیاتی کشورهای مختلف نسبت به سطوح بالقوه نشان داد که ایران از تمام ظرفیت مالیاتی خود استفاده نمی‌کند.

مهدوی (۲۰۰۸) در پژوهشی با تفکیک درآمدهای مالیاتی به اجزای مختلف، اقدام به برآورد توابع درآمدهای مالیاتی کرده و نشان داد برخی از متغیرها بر سطح و بر اجزای درآمدهای مالیاتی تاثیر یکسان دارند، در حالی که برخی متغیرها اثری متفاوت از آنچه بر سطح کل درآمدهای مالیاتی دارند بر اجزای درآمدهای مالیاتی به جای می‌گذارند.

ریز لویا و بلانکو^۸ (۲۰۰۸) برای اندازه گیری اهمیت درآمدهای نفتی در کل درآمدهای دولت مکزیک، تاثیر درآمدهای نفتی بر دیگر درآمدها را برآورد کرده اند. بر اساس نتایج این تحقیق، میان درآمدهای نفتی و سایر درآمدهای دولت مکزیک یک رابطه جانشینی وجود دارد، به طوریکه افزایش درآمدهای نفتی موجب کاهش درآمدهای مالیاتی می‌شود.

بورن هورست و همکاران^۹ (۲۰۰۹) با بیان اینکه تاکنون هیچ شاهد تجربی بر وجود رابطه درآمدهای ناشی از منابع و درآمدهای مالیاتی وجود ندارد، به بررسی این ارتباط پرداخته اند. آنها با استفاده از داده‌های ۳۰ کشور، وجود رابطه جانشینی میان درآمدهای ناشی از هیدروکربن‌ها و دیگر درآمدهای دولت‌های تحصیلدار را نشان داده اند. بر اساس نتایج این تحقیق کشورهایی که از استخراج منابع طبیعی درآمد زیادی به دست می‌آورند، به طور قابل توجهی از تلاش خود برای اخذ مالیات می‌کاهند. درآمد ناشی از منابع طبیعی یکی از عوامل تعیین کننده نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی است.

گرایی نژاد و چپر دار (۱۳۹۱) در تحقیق خود تحت عنوان بررسی عوامل موثر بر درآمدهای مالیاتی در ایران با استفاده از داده‌های سری زمانی در ایران طی دوره ۱۳۵۷-۱۳۸۷ اصلی ترین عوامل موثر بر نسبت مالیات‌ها به تولید ناخالص داخلی به عنوان شاخص مقبول در مطالعات جهانی بررسی شده است. اندازه بخش کشاورزی به عنوان مهم ترین بخش استفاده کننده از معافیت‌های مالیاتی به همراه عوامل موثر دیگر همچون میزان وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی، عوامل فرهنگی، عوامل انگیزشی سازمانی برای سازمان وصول کننده مالیات، حجم اقتصاد زیرزمینی و وضعیت توزیع درآمدها در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته اند.

تورش هستند. اما با استفاده از داده‌های پانل، تورش برآورد را از بین می‌برد و یا کم میکند. در حقیقت اثرات فردی ناهمگن بنگاه‌ها را به حساب می‌آورد. از طرفی بالا بودن حجم مشاهدات باعث می‌شود مسئله همخطی در اقتصادسنجی تا حدودی رفع شود. بطور کلی یک مدل رگرسیونی در قالب داده‌های تابلویی به صورت زیر است که در آن ϵ_{it} دارای میانگین صفر و واریانس ثابت است. u_i اثرات ثابت و نشانگر تفاوت‌های فردی مقاطع است و e_{it} جزء اخلال است:

$$y_{it} = \alpha + \beta x_{it} + u_{it} + e_{it}, \quad \epsilon_{it} = u_i + e_{it} \quad (1)$$

گام اول در برآورد مدل‌های پانل دیتا، حصول اطمینان از مانایی متغیرهای مورد استفاده در تخمین است. آزمون ریشه واحد، یکی از معمول‌ترین آزمون‌هایی است که امروزه برای تشخیص مانایی یک فرآیند سری زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. یک فرآیند تصادفی را هنگامی مانا می‌نامیم که میانگین و واریانس آن در طی زمان ثابت بوده و مقدار کوواریانس بین ۲ دوره زمانی تنها به فاصله یا وقفه بین دو دوره بستگی داشته و ارتباطی به زمان واقعی محاسبه کوواریانس نداشته باشد، اساس آزمون ریشه واحد بر این منطق استوار است که اگر یک فرآیند، از نوع خودرگرسیونی مرتبه اول باشد، در آن صورت، سری ناماناست. برای بررسی مانایی در داده‌های پانل از آزمون‌های ریشه واحد داده‌های تابلویی که کواه^{۱۴} (۱۹۹۲ و ۱۹۹۴) و بریتون^{۱۵} (۱۹۹۴) پایه ریزی کرده اند و لوین و لین^{۱۶} (۱۹۹۲ و ۲۰۰۳)، لوین، لین و چو^{۱۷} (۲۰۰۲) و ایم، پسران و شیم^{۱۸} (۱۹۹۷ و ۲۰۰۳) آن را کامل کردند استفاده می‌کنیم. این آزمون‌ها عبارتند از: لوین، لین و چاو (LLC)، برتونگ^{۱۹} آزمون‌های هادری^{۲۰}، ایم، پسران و شین (IPS)، فیشر-دیکی فولر تعمیم یافته (ADF) و فیشر-فلپس پرون (PP) (زراء نژاد و انواری، ۱۳۸۴). در گام بعدی مسئله ناهمگنی واحدها بررسی میشود و در نهایت با استفاده از آزمون‌های تشخیصی از بین ۳ مدل تلفیقی^{۲۱}، اثرات ثابت^{۲۲} یا اثرات تصادفی^{۲۳}، بهترین روش برای تخمین مدل انتخاب میشود. رایج‌ترین آزمون‌ها عبارتند از: آزمون F لیمر^{۲۴} برای بررسی ارجحیت استفاده از مدل اثرات ثابت در مقابل مدل تلفیقی و آزمون هاسمن برای بررسی امکان استفاده از اثرات ثابت در مقابل اثرات تصادفی. فرضیات آزمون F لیمر بدین ترتیب است:

(۲)

$$H_0: u_1 = u_2 = \dots = u_n = 0$$

حداقل یکی از u_i ها مخالف صفر است. $H_1:$

$$\left(\frac{R^{NH}}{Y^{NH}}\right)_{it} = \alpha_i + \beta_1 \left(\frac{R^H}{Y^H}\right)_{it} + \text{controls} + \mu_{it}$$

که در آن $\left(\frac{R^{NH}}{Y^{NH}}\right)$ نسبت درآمد غیرهیدروکربنی به تولید ناخالص داخلی غیرهیدروکربنی که نماد درآمد مالیاتی به عنوان متغیر وابسته میباشد و $\left(\frac{R^H}{Y^H}\right)$ نسبت درآمد هیدروکربنی به تولید ناخالص داخلی هیدروکربنی که نماد درآمد حاصل از منابع طبیعی مانند نفت و گاز (درآمد نفتی) و متغیرهای کنترلی شامل تولید ناخالص داخلی سرانه (GDP) به قیمت ثابت سال ۲۰۰۵، (CPI) شاخص درک فساد که کشورها را بر حسب درجه فساد موجود در میان مقامات اداری و سیاست مداران رتبه بندی می‌نماید. این شاخص یک شاخص ترکیبی می‌باشد که بر مبنای داده‌هایی در ارتباط با فساد که توسط آمارگیری از کارآفرینان و کارشناسان برجسته در سازمان‌های مختلف انجام می‌گیرد، محاسبه می‌شود. این شاخص منعکس کننده نظرات کارآفرینان و تحلیل گران در سراسر جهان می‌باشد که شامل افرادی در درون کشور مورد ارزیابی نیز می‌باشد. عدد این شاخص بین صفر تا ۱۰ می‌باشد، تجارت باز (TO) که از تقسیم مجموع صادرات و واردات کالا و خدمات بر تولید ناخالص داخلی بدست آمده است، سهم کشاورزی در تولید ملی (CROP) و (OP) قیمت نقطه ای نفت خام به عنوان متغیرهای مستقل تحقیق می‌باشند. i و t به ترتیب نشانگر کشور و دوره زمانی هستند. بازه زمانی از ۲۰۱۴-۱۹۹۸ و قلمرو مکانی کشورهای صادرکننده نفت^۱ می‌باشد. داده‌های تحقیق از سایت صندوق بین المللی پول^{۱۱} و سایت بانک جهانی^{۱۲} و سایت BP^{۱۳} گرفته شده است.

با توجه به مدل مطالعه بورن هورست و همکاران (۲۰۰۹) در الگوی بالا و همچنین تقسیم تجارت باز به دو مقدار تجارت باز در سطح پایین و تجارت باز در سطح بالا در مطالعه حاضر مدل به شکل ذیل تصریح میشود. لازم به ذکر است که سه متغیر تولید ناخالص داخلی، شاخص درک فساد و قیمت نقطه ای نفت خام به صورت لگاریتم طبیعی درآمده است.

$$\left(\frac{R^{NH}}{Y^{NH}}\right)_{it} = \alpha_i + \alpha_{RH} \left(\frac{R^H}{Y^H}\right)_{it} + \alpha_{GDP} \ln GDP_{it} + \alpha_{CPI} \ln CPI_{it} + \alpha_{TO} TO_{it} + \alpha_{CROP} CROP_{it} + \alpha_{OP} \ln OP_{it} + \mu_i$$

۵. روش تحقیق

۵.۱. روش تخمین پانل دیتا

مدل پانل دیتا روشی برای تلفیق داده‌های مقطعی و سری زمانی است، معمولاً روش‌های سنتی اقتصادسنجی سری‌های زمانی و داده‌های مقطعی، ناهمگنی‌های مربوط به مقاطع را در نظر نمی‌گیرند و نتایج تخمین دارای ریسک

آماره آزمون فوق بدین صورت خواهد بود:

(۳)

$$F((N-1)(NT-N-K)) = \frac{(RSS_R - RSS_U)/N-1}{RSS_U/NT-N-K}$$

همبسته باشند، b_s و β_s می‌توانند بطور معناداری متفاوت باشند و این انتظار وجود دارد که تا این امر در آزمون منعکس شود در آزمون هاسمن فرضیه صفر بیانگر انتخاب روش تصادفی و فرضیه مخالف اثرات ثابت است بنابراین در صورت رد فرضیه روش اثرات ثابت قابل پذیرش است (سایو، ۲۰۰۳).

که در آن RSS_R مجموع مجذور خطای مدل مقید یا همان تلفیقی است و RSS_U مجموع مجذور خطای مدل نامقید است. اگر F محاسبه شده از F جدول بزرگتر باشد فرضیه صفر رد میشود و بدین ترتیب مدل به روش پانل دیتا (اثرات ثابت یا تصادفی) برآورد میشود و در غیر این صورت مدل تلفیقی به روش OLS تخمین زده میشود (بالتاجی، ۲۰۰۵). پس از تأیید ناهمگنی، جهت انتخاب بین مدل‌های اثرات ثابت یا تصادفی از آزمون هاسمن استفاده میشود. این آزمون به صورت زیر است:

(۴)

$$W = (b_s \beta_s)(M_1 + M_0)^{-1} = (b_s \beta_s) \sim \chi^2(r)$$

۶. برآورد الگوی تحقیق ۱.۱.۶ آزمون ریشه واحد

جهت تخمین مدل ابتدا باید وجود یا عدم وجود ریشه واحد در متغیرهای مدل بررسی کرد. این کار کمک میکند نتایج ناشی از تخمین‌ها کاذب نباشد و نتایج قابل اعتمادتری از مدل بدست آید (مهرگان و سلطانی صحت، ۱۳۹۳). نتایج حاصل از تخمین آزمون ریشه واحد به روش دیکی فولر نشان می‌دهد که تمام متغیرها در سطح مانا شده اند.

در رابطه فوق r تعداد پارامترها، W دارای توزیع χ^2 با درجه آزادی r است که در آن M_1 ماتریس کوواریانس برای ضرایب مدل اثرات ثابت (b_s) و M_0 ماتریس کوواریانس برای ضرایب مدل اثرات تصادفی (β_s) است. اگر M_0 و M_1

۶. برآورد مدل با استفاده از روش پانل دیتا

برای تعیین نوع برآورد الگو به روش داده‌های تلفیقی یا داده‌های تابلویی از آزمون اف لیمر و برای تعیین نوع برآورد الگو به روش آثار ثابت یا تصادفی از آزمون هاسمن استفاده می‌شود.

جدول ۱: نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد به روش دیکی فولر

نتیجه	عرض از مبدا و روند		متغیرها
	سطح		
I (0)	-8.56451 ^{TV}	(0.0000) ^{TA}	درآمد مالیاتی $(\frac{R^{NH}}{Y^{NH}})$
I (0)	-13.5087	(0.0000)	درآمد نفتی $(\frac{R^H}{Y^H})$
I (0)	-6.34101	(0.0000)	تولید ناخالص داخلی (GDP)
I (0)	-5.09676	(0.0000)	شاخص درک فساد (CPI)
I (0)	-6.85023	(0.0000)	تجارت باز (TO)
I (0)	-5.30529	(0.0000)	سهم کشاورزی در تولید ملی (CROP)
I (0)	-7.98742	(0.0000)	قیمت نقطه ای نفت خام (OP)

منبع: خروجی نرم افزار eviews8

جدول ۱

سطح احتمال	آماره آزمون	متغیر وابسته	نوع آزمون	درآمد مالیاتی با سطح تجارت باز پایین
۰.۰۰۰۰	۳۷.۶۵۷۸۸۰	درآمد مالیاتی	اف لیمر	درآمد مالیاتی با سطح تجارت باز بالا
۰.۰۰۶۰۴	۱۲.۰۷۰۱۸۷	درآمد مالیاتی	هاسمن	
۰.۰۰۰۰	۴۳۰.۸۳۳۶۱۲	درآمد مالیاتی	اف لیمر	درآمد مالیاتی با سطح تجارت باز بالا
۰.۴۰۳۰	۶.۱۸۳۲۰۶	درآمد مالیاتی	هاسمن	

جدول ۳

متغیر	ضرایب و سطح احتمال (درآمد مالیاتی با سطح تجارت باز پایین)	ضرایب و سطح احتمال (درآمد مالیاتی با سطح تجارت باز بالا)
درآمد نفتی $(\frac{R^H}{Y^H})$	-0.070766 ^{۳۹} (۰,۰۰۰۰۰)	-0.093885 (۰,۰۰۰۰۰)
لگاریتم تولید ناخالص داخلی (LGDP)	۰,۰۰۱۶۱۲ (0.9400)	-0.005372 (۰,۷۶۹۲)
لگاریتم شاخص درک فساد (LCPI)	-0.060353 (۰,۰۰۰۰۱)	0.013059 (0.0347)
تجارت باز (TO)	4.55E-05 (۰,۸۳۶۶)	۰,۰۰۰۰۶۱۶ (۰,۰۰۶۴۳)
سهم کشاورزی در تولید ملی (CROP)	۰,۰۰۰۰۹۱۵ (۰,۱۳۸۷)	۰,۰۰۰۱۲۴۶ (0.0701)
لگاریتم قیمت نقطه ای نفت خام (LOP)	0.029225 (۰,۰۰۰۰۰)	0.001089 (0.6656)
عرض از مبدا (C)	0.153029 (۰,۳۳۶۴)	۰,۲۴۷۱۲۵ (۰,۰۰۹۹۷)
ضریب تعیین (R ²)	0.97	0.49
دربین-واتسون (D-W)	1.31	1.75
آماره F	110.2542 (0.000000)	۶,۴۱۱۹۶۷ (۰,۰۰۰۰۰۸۶)

اعداد داخل پرانتز سطح احتمال را نشان می‌دهد.

می‌شود. آماره دربین واتسون ۱,۷۵ نشان از خوبی تصریح مدل و عدم وجود مشکلات تکنیکی اقتصادسنجی در مدل برآوردی دارد. آماره F در کشورهای با سطح تجارت باز پایین و بالا ارائه شده برابر 110.2542 و ۶,۴۱۱۹۶۷ بدست آمده است که حاکی از قدرت توضیح دهندگی الگو می‌باشد.

۷. نتیجه گیری و پیشنهادات

برای بررسی اثر درآمد نفتی بر درآمد مالیاتی کشورهای صادرکننده نفت با تقسیم کشورها به دو قسمت تجارت باز با سطح پایین و سطح بالا با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی در طی سال‌های ۲۰۱۴-۱۹۹۸ پرداخته شده است. نتایج حاکی از آن است که علت اثر منفی درآمد نفتی بر درآمد مالیاتی را میتوان اینطور تفسیر کرد که اتکای بیش از حد دولت به درآمدهای نفتی و سهم بالای درآمدهای نفتی در بودجه دولت باعث کم توجهی به مالیات و اخذ آن به صورت بهینه و کاهش بار مالیاتی می‌شود که این مسئله از طرفی باعث فرار مالیاتی اقشار پردرآمد جامعه شده و بار دیگر باعث تغییر توزیع درآمد به ضرر دهک‌های پایین درآمدی می‌شود. به طور کلی درآمدهای بدست آمده از فروش نفت مستقیماً عاید دولت گردیده و انگیزه دولت برای ایجاد یک نظام دقیق مالیاتی را از بین می‌برد، که این خود وضعیت را بدتر کرده و وابستگی دولت به نفت را بیش از پیش می‌گرداند و نتیجه آن با مطالعات بورن هورست و

طبق جدول ۳ به تفسیر کششی ضرایب متغیرها می‌پردازیم. ضریب شاخص درک فساد کشش شاخص درک فساد را نسبت به درآمد مالیاتی نشان می‌دهد به این صورت که در کشورهایی با سطح تجارت باز پایین با یک درصد افزایش در شاخص درک فساد میزان درآمد مالیاتی به مقدار 0.060353- کاهش می‌یابد و در کشورهایی با سطح تجارت باز بالا با یک درصد افزایش در شاخص درک فساد میزان درآمد مالیاتی به مقدار 0.013059 افزایش می‌یابد. ضریب قیمت نقطه ای نفت خام در کشورهایی با سطح تجارت باز پایین کشش درآمد مالیاتی را نشان می‌دهد به این صورت که با یک درصد افزایش در قیمت نقطه ای نفت خام، درآمد مالیاتی به میزان 0.029225 درصد افزایش می‌یابد. قیمت نقطه ای نفت خام در کشورهایی با سطح تجارت باز بالا مثبت و غیرمعنادار برآورد شده است. لگاریتم تولید ناخالص داخلی در کشورهایی با سطح تجارت باز پایین مثبت و در کشورهایی با سطح تجارت باز بالا منفی و غیرمعنادار برآورد شده است. تجارت باز و سهم کشاورزی در تولید ملی در کشورهایی با سطح تجارت باز پایین مثبت و غیرمعنادار و در کشورهایی با سطح تجارت باز بالا مثبت و معنادار برآورد شده است. ضریب تعیین ۰,۹۷ درصد که حاکی از قدرت توضیح دهندگی بالای مدل می‌باشد و بیان می‌نماید که ۰,۹۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته در مدل با استفاده از متغیرهای توضیحی درون مدل توضیح داده

و با مقایسه نتایج حاصل بتوان دقیق تر درآمدهای مالیاتی و درجه اتکاء به آنها را در هنگام بروز نوسانات اقتصادی پیش بینی کرد. جهت بالا بردن فرهنگ مالیاتی پیشنهاد می شود نشریات تخصصی در زمینه مالیات و فرهنگ مالیاتی به طور منظم در کشور منتشر شوند و رسانه های جمعی مانند صدا و سیما برنامه های خاصی را برای مخاطبین خود تولید و پخش کنند.

منابع و مأخذ

ابراهیمی محسن، سالاریان محمد، حاجی میرزایی سید محمدعلی، (۱۳۸۷)، بررسی مکانیسم های اثرگذاری درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت از دیدگاه بلای منابع طبیعی، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، سال ۵، ش ۱۶، صص ۱۵۶-۱۳۱

ابونوری عباسعلی، زیوری مسعود سمیه، (۱۳۹۳)، تاثیر درآمدهای مالیاتی بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد (ایران و کشورهای منتخب OECD)، پژوهشنامه مالیات، ش ۲۴، زراه نژاد منصور، تبعه ایزدی امین، حسین پور فاطمه، (۱۳۹۳)، بررسی و اندازه گیری تاثیر درآمدهای نفتی بر درآمدهای مالیاتی در ایران، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ش ۷۲، صص ۱۳۷-۱۱۱

زراه نژاد منصور، انواری ابراهیم، (۱۳۸۴)، کاربرد داده های ترکیبی در اقتصادسنجی، فصلنامه بررسی های اقتصادی، ش ۴، صص ۵۲-۲۱

سلیمی سودرجانی احسان، محمودی نیا داوود، پورشهایی غرشید، (۱۳۹۰)، آزادسازی تجاری و درآمد مالیاتی در کشورهای منتخب با درآمد پایین تر از متوسط، فصلنامه تحقیقات اقتصادی راه اندیشه، صص ۱۸۰-۱۴۹

صاحب هنر حامد، ندروی کامران، (۱۳۹۲)، تحلیل اقتصادی اثر افزایش درآمدهای نفتی بر توزیع درآمد با رویکرد BVAR: مطالعه موردی ایران، فصلنامه اقتصاد انرژی ایران، سال ۲، ش ۹، صص ۱۴۹-۱۱۵

عباسیان عزت اله، خاتمی طیبه، (۱۳۹۱)، تعیین مسیر بهینه مالیات ها در جهت کاهش وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی، فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی های اقتصادی سابق)، دوره ۹، ش ۱، صص ۱۱۱-۸۷

قطمیری محمدعلی، اسلاملوئیان کریم، (۱۳۸۷)، برآورد تلاش مالیاتی در ایران و مقایسه آن با کشورهای درحال توسعه منتخب، فصلنامه تحقیقات اقتصادی، ش ۴۳، صص ۱۸۶-۱۶۳

کریمی پتانلار سعید، بابازاده محمد، (۱۳۹۰)، اثر فساد مالی بر درآمدهای مالیاتی و مخارج دولت: مطالعه موردی

همکاران (۲۰۰۹)، ریزلویا و بلانکو (۲۰۰۸) همسو می باشد. پیشنهاد می شود که اثر درآمد نفتی بر سرکوب مالی و رشد اقتصادی از طریق اثری که بر رانت و فساد می گذارد و همچنین از کانال بیماری هلندی یا نرخ ارز مورد بررسی قرار گیرد. علت اثر منفی و معنادار شاخص درک فساد بر درآمد مالیاتی را می توان اینگونه تفسیر کرد که فساد موجب کاهش سرمایه گذاری ها، گسترش بخش غیررسمی اقتصاد، بر هم زدن سیستم مالیاتی و از بین رفتن اخلاق مالیاتی مودیان می شود. پیشنهاد می شود مطالعات بیشتری در خصوص اثر فساد بر انواع درآمد مالیاتی و ترکیب مخارج دولت به عمل آید تا مشخص گردد کدام نوع مالیات ها و مخارج بیشتر تحت تاثیر فساد مالی قرار می گیرند. با اصلاح ساختار اداری، تعدیل دستمزدها، رفع موانع خصوصی سازی و ترغیب به اقتصادی رقابتی، شفاف سازی فعالیت های دولتی از طریق ساده سازی قوانین و مقررات بویژه قوانین و مقررات مالیاتی و جایگزین کردن سیستم های اینترنتی به جای افراد صورت گیرد. علت اثر مثبت تجارت باز بر درآمد مالیاتی را می توان این طور تفسیر کرد که اگر واردکنندگان به شکل رقابتی عمل کنند در اثر آزادسازی تجاری هرچه مالیات بر مصرف، بخش بزرگتری از کل مالیات ها را تشکیل دهد کل درآمدهای مالیاتی بیشتر خواهد بود چون تمام آن درآمد مالیاتی که از وضع تعرفه بر واردات حاصل می شود الان بخشی از مازاد مصرف کننده است اما اگر بازار واردات ماهیت انحصاری داشته باشد در اثر آزادسازی تجاری هرچه مالیات ها بیشتر به سمت مالیات بر درآمد و سود سوق داده شوند کل درآمدهای مالیاتی افزایش بیشتری خواهد داشت چون در چنین وضعیتی کاهش در تعرفه ها وارد مازاد مصرف کننده نمی شود بلکه سود واردکنندگان را افزایش می دهد. در اثر آزادسازی تجاری از یک سو ارزش اسمی صادرات و واردات بر حسب پول داخلی افزایش می یابد و بنابراین درآمد حاصل از مالیات بر واردات و صادرات افزایش پیدا می کند و نتایج تحقیق حاضر با مطالعات سودرجانی و همکاران (۱۳۹۰)، آگبیب و همکاران (۲۰۰۶)، قطمیری و اسلاملوئیان (۱۳۸۷)، پتانلار و همکاران (۱۳۹۰)، قورا (۱۹۹۸) همسو می باشد. پیشنهاد می شود که اثر درآمد نفتی بر سرکوب مالی و رشد اقتصادی از طریق اثری که بر رانت و فساد می گذارد و همچنین از کانال بیماری هلندی یا نرخ ارز مورد بررسی قرار گیرد. پیشنهاد می شود که مطالعاتی در خصوص واکنش سایر مالیات های غیرمستقیم، مالیات مستقیم (به تفکیک بر اساس اهمیت آنها در درآمد مالیاتی دولت) و کشش های درآمد حاصل از انواع مالیات ها در بستر نوسانات اقتصادی (به تفکیک دوره رکود و رونق) انجام شود

Rostow, W.W. (1960); *The Stages of Economic Growth*, Cambridge University Press, Cambridge, UK.

Viner, J. (1952); *International Trade and Economic Development*, Free Press, Glencoe, IL.

www.worldbank.org

BP statistical review of world energy <http://www.bp.com>, June 2014
www.imf.org

یادداشت‌ها

¹ Rosen

² Lewis

³ Rostow

⁴ Viner

⁵ Moore

⁶ Agbeyegbe

⁷ Gupta

⁸ Reyes-Loya and Blanco

⁹ Bornhorst et al

^{۱۰} الجزایر، آذربایجان، برونی، چاد، اکوادور، گابون، ایران، کویت، مکزیک،

نروژ، قطر، عربستان سعودی، سوریه، امارات متحده عربی، ویتنام، آنگولا،

بحرین، کامرون، کنگو، گینه استوایی، اندونزی، قزاقستان، لیبی، نیجریه،

عمان، روسیه، سودان، ترینیداد و توباگو، ونزوئلا، یمن

¹¹ www.imf.org

¹² www.worldbank.org

¹³ BP statistical review of world energy <http://www.bp.com>, June 2014

¹⁴ Quah

¹⁵ Breitung

¹⁶ Levin & Lin

¹⁷ Levin, lin, kao

¹⁸ Im, Pesaran, Shin

¹⁹ Bertong

²⁰ Haudry

²¹ Pooled

²² Fixed

²³ Random

²⁴ Limer

²⁵ Baltagi

²⁶ Hsiao

²⁷ Statistic

²⁸ Prob

²⁹ Coefficient

³⁰ Prob

کشورهای منتخب در حال توسعه، سال ۱۹، ش ۵۷، صص ۱۷۰-۱۵۷

گرایی نژاد غلامرضا، چپر دار الهه، (۱۳۹۱)، بررسی عوامل موثر بر درآمدهای مالیاتی در ایران، فصلنامه علوم اقتصادی، سال ۶، ش ۲۰

نیازی خلیل، (۱۳۷۷)، بررسی اثر انواع مالیات‌ها بر تورم در اقتصاد ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و فنون مازندران

نچارزاده رضا، زارع حمیدرضا، (۱۳۸۵)، برآورد کشش و وقفه درآمد مالیاتی شرکت‌ها در استان تهران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال ۶، ش ۳

موسوی جهرمی یگانه، رضایی محمدقاسم، سبزو محبویه، (۱۳۹۲)، نگرشی به کارایی درآمد مالیاتی مبتنی بر مصرف در بستر نوسانات اقتصادی: تحلیل بین کشوری، پژوهشنامه مالیات، ش ۲۰، صص ۵۲-۷۱

Agbeyegbe, T.D., Stotsky, J. & Wolde Mariam, A. (2006), "Trade Liberalization, Exchange Rate Changes, and Tax Revenue in Sub-Saharan Africa", *Journal of Asian Economics*, 17:261-284.

Bornhorst, F., & Gupta, S., & Thornton, J. (2009); "Natural Resource Endowments and Domestic Revenue Effort", *European Journal of Political Economy*, no.25, pp. 439-446.

Baltagi, B. H. (2005). *Econometric Analysis of Panel Data*. John Wiley & Sons Inc, 3rd Edition, New York, USA.

Ghura, H. (1998); "Tax Revenue in Sub-Saharan Africa: Effects of Economic Policies And Corruption", *IMF Working Paper*, Wp/98/135.

Gupta, A. (2007); "Determinants of Tax Revenue Efforts in Developing Countries", *IMF Working Paper*, WP/07/184

Hsiao, C. (2003). *Autoregressive Modeling and Money-Income Causality Detection*. *Journal of Monetary Economics*, 7 (1): 85-1.

Lewis, A. (1955); *The Theory of Economic Growth*, Allen and Unwin, London.

Moore, M. (2007); "How Does Taxation Affect the Quality of Governance", *IDS Working Paper*, p. 280, Brighton, UK.

Mahdavi, S. (2008); "The Level and Composition of Tax Revenue in Developing Countries: Evidence from Unbalanced Panel Data", *International Review of Economics and Finance*, no.17, pp. 607-617

Reyes-Loya, M. & Blanco, L. (2008); "Measuring the Importance of Oil-Related Revenues in Total Fiscal Income for Mexico", *Energy Economics*, 30, pp. 2552-2568.